



هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانتجوی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران  
شماره ۱۹۸  
۱۷ رجب ۱۴۳۸  
۲۶ فروردین ۱۳۹۶  
شنبه

www.QuranEtratSchool.ir

سال هفتم

رسول الله ﷺ : خَيْرُهُ مِنَ الشُّهُورِ شَهْرُ رَجَبٍ ، وَهُوَ شَهْرُ اللَّهِ ، مَنْ عَظَّمَ شَهْرَ رَجَبٍ فَقَدْ عَظَّمَ أَمْرَ اللَّهِ ، وَمَنْ عَظَّمَ أَمْرَ اللَّهِ أَدْخَلَهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ، وَأَوْجِبَ لَهُ رِضْوَانُهُ الْأَكْبَرُ . (۱)

پیامبر خدا ﷺ: ماه رجب، ماه برگزیده خدا از میان ماههاست و آن، ماه خداست. هر کس ماه رجب را بزرگ بدارد، فرمان خدا را بزرگ داشته است و هر که فرمان خدا را بزرگ بدارد، [خدا] او را وارد بهشت‌های پُر نعمت می‌کند و رضایت بزرگتر خویش را برای او واجب می‌سازد.

(۱) شُعَبُ الْإِيمَانِ : ج ۲ ص ۳۷۴ ح ۳۸۱۳ عَنْ أَنَسٍ ، كُنْزُ الْعَمَالِ : ج ۱۲ ص ۳۲۳ ح ۲۰۳۱۷ .  
نام کتاب : دانشنامه قرآن و حدیث ۱۲ - جلد ۱۲ صفحه : ۵۰۰



به نام سلام

قرآن باید با احساس تکلم با خدا قرائت شود

بیانات رهبری در جلسات شرح احادیث خارج فقه، ۱۹ فروردین ۹۲

ساره شهیدی

كان في وصية النبي ﷺ لعلي عليه السلام: و عليك بتلاوة القرآن على كل حال. در وصیت پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود که: علی بر تو باد قرائت قرآن در هر حال.

حضرت ﷺ به تلاوت قرآن توصیه می‌فرمایند. با قرآن باید مأنوس شد. اگر در جامعه اسلامی، در کشور ما، یک جمع قابل توجهی از مردم با قرآن انس پیدا نکنند به طوری که مفاهیم قرآنی در ذهن اینها زنده باشد، به نظر بنده حرکت اسلامی جامعه تضمین شده است.

می‌گوییم همه مردم، اگرچه این مطلوب‌تر است، لکن یک جمع قابل توجهی، چند میلیون از جمعیت کشور طوری باشند که با قرآن مأنوس باشند، این هم نمی‌شود مگر با تلاوت دائمی قرآن، نه فقط ایام ماه مبارک رمضان، بطور دائم انسان با قرآن مأنوس باشد. لذا می‌فرماید: و عليك بتلاوة القرآن على كل حال، در همه حال، تلاوت قرآن بکن! در سفر، در حضر، در خانه، در بیرون از خانه، هر وقتی که می‌توانی، قرآن را تلاوت کن!

البته کسی که حافظ قرآن است، برای او آسان‌تر است، برای امثال ماها که حافظ قرآن نیستیم، راهش این است که بر خودمان وظیفه قرار بدهیم که هر روزی یک مقداری از قرآن را بخوانیم.

به گمان من خوب است که انسان از اوّل قرآن شروع کند، همانطور که معمول بین مردم است، که قرآن را ختم می‌کنند، علاوه بر این، بخشی از آیات یا سوره قرآنی را به طور مرتب تکرار بکنند، این، موجب می‌شود که انسان با بخش‌هایی از قرآن انس بیشتری پیدا کند. یکی، از آیات سوره یونس خوشش می‌آید، سوره یونس را مرتباً بخواند تا حفظ کند. یکی از سوره احزاب خوشش می‌آید، یکی سوره مسبحات را که مضامین عالی و مهمی دارد،

اهل معنا و اهل سلوک هم به تلاوت مسبحات توصیه می‌کنند، سوری که با «سبح لله»، «یسبح لله» شروع می‌شود، یا سوره حوامیم، که آنها هم مطالب مهم دارد، البته همه جای قرآن مهم است، هیچ نقطه‌ای از قرآن نیست که حامل مطالب اساسی و معارف مهم نباشد، اما افراد مختلف اند، همان چیزی را که بیشتر خوششان می‌آید، هر روز بخوانند! تکرار کنید!

قرآن را باید با خشوع خواند، اگر انسان قرآن را بدون خشوع، با غفلت بخواند، چیز زیادی گیرش نمی‌آید، گاهی هیچ چیز گیرش نمی‌آید! گاهی هم خدای نکرده اثرات عکس می‌بخشد.

قرآن را با توجه، با خشوع، با اعتماد به بیان الهی، با این احساس که خدای متعال با انسان حرف می‌زند، بخواند تا لذت قرآن بر جان شما بنشیند. اگر ما لذت تلاوت قرآن را بچشیم، هیچ زمان از آن دست برمی‌داریم. مهم این است که آن لذاتی که در خواندن قرآن و تدبیر در آیات و کلمات قرآن وجود دارد، این لذت را انسان در جان خودش احساس کند. اگر بخواهیم این، حاصل بشود، باید قرآن را با خشوع خواند.



مقالات علمی

آموزش اقتصاد به کودکان از طریق رسانه

به قلم اعضای مدرسه علوم انسانی (عبودیت عباد الرحمن)

فاطمه فیاض

۱. مفهوم نفع در آموزش اقتصاد به کودکان

اقتصاد در معنای عرفی آن اصالت نفع است و بر این اساس در معنای قرآنی می توانیم آن را با مفاهیم نفع و ضرر بررسی کنیم. آموزش اقتصاد به کودکان نوعی آموزش فرایندهای نفع و ضرر است. هر انسانی به دنبال دستیابی به نفع یا همان منفعت است و نفع منطبق بر نیاز است. پس شناخت نیازهای حقیقی می تواند مسیر فهم نفع و انواع آن و سطوح مختلف آن را روشن سازد. در عین حال انسان در اجتماع زندگی می کند و نیازها و منفعت ها گاهی با یکدیگر دچار تزاخم می شوند؛ درک این نکته نیز مهم است که انسان باید بر اساس شرایط موجود، مسیر رسیدن به بهترین نفع را برای خود و دیگران هموار کند و در عین حال نفع دیگران را نیز در نظر بگیرد.

در یک عبارت می توان گفت که آموزش اقتصاد به معنای آموزش «شیوه به دست آوردن نفع و مبادله نفع به عنوان مقصد» است. نفع چیست؟ چه ماهیتی دارد و مراتب آن چگونه است؟ متاسفانه فرهنگ غربی ماتریالیستی و رشحات فرهنگی آن مانند اصالت داشتن سود مادی و توجه وسیله برای رسیدن به هدف در جامعه ما به گونه ای نفوذ کرده است که در نه تنها در رسانه ها بلکه در برخی مواد آموزشی نیز به گونه ای ظریف تبلیغ می شود. این در حالی است که منبع وحیانی قرآن کریم اصل و اساس تبادل نفع و رسیدن به مراتب بالای نفع را برای مخاطبان تبیین کرده است و روایات معصومین آن را تفصیل داده اند. برای مثال امام صادق (ع) می فرماید: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْ ضَرَرِهَا بِثَلَاثِ خَصَالٍ هُمْ لَا يَفْقَهُنَّ وَ أَمَلٍ لَا يَذْرُكُ وَ رَجَاءٍ لَا يَنْتَالُ<sup>۱</sup>. هر کس که دل به دنیا بست در سه زیان آن گیر افتد: ۱- حزن و اندوهی پیوسته، همیشگی و پایان ناپذیر، ۲- آرزویی دست نیافتنی، ۳- و امیدوی فراهم نداشتن. بنابراین واضح است که مفهوم نفع و ضرر در دین اسلام متفاوت از آن چیزی است که امروز در دنیا تبلیغ و ترویج می شود.

نفع مساوی آن چیزی است که نیاز انسان را برطرف و ضرر آن چیزی است که انسان را از رسیدن به نیازش منع می کند (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۲۴). خداوند خالق متعال بر اساس نیازهای حقیقی انسان، به او امر و نهی کرده است. بر همین اساس هر آنچه که در راستای حکم الهی باشد نفع حقیقی و هر آنچه بر خلاف حکم الهی باشد نفع غیرحقیقی و همان ضرر

است. ممکن است به ظاهر چیزی برای انسان نفع جلوه کند حال آنکه ضرر کامل باشد. مانند ربا، خوردن مال یتیم، تطفیف و کم فروشی و مانند آن که منجر به افزایش مال می شود اما حقیقتش آتش و عذاب است که ممکن است در همین دنیا پرده هایی از آن برای فرد آشکار شود یا ممکن است تا قیامت از نظر پنهان باشد و خداوند سنت املاء یا استدراج را بر آن جاری کند.

نفع مراتبی دارد که مراتب پایین آن را نیازهای طبیعی مانند گرسنگی و امنیت در برمی گیرد (سوره مبارکه قریش)؛ با رشد و شکوفایی توان ها و به تدریج، نیازهای دیگر هویدا شده و فرد انواعی دیگری از نفع برایش معنا می یابد. به تدریج با رشد قوای انتزاعی در سنین بلوغ، کودک توان فهم مراتب بالاتر نفع مانند مراتب نفع معنوی را نیز پیدا می کند. مراتب نفع معنوی در انتخاب نفع باید در اولویت قرار گیرند، در عین حال باید به مراتب پایین تر به گونه ای توجه شود که در تعارض با نفع های بالاتر قرار نگیرند.

۲. مراحل آموزش اقتصادی با محوریت مبادله نفع

زندگی محل تزاخم نفع و ضرر است و طبیعی است در هر موقعیت انسان مختار بالغ، باید بهترین نفع را از بین انواع نفع و ضرر بازشناخته و آن را ترجیح داده و انتخاب کند. چراکه انتخاب یک نفع، فرد را از رسیدن به نفعی دیگری باز می دارد و چه بسا موجب خسران گردد. مثلا اگر کودک با پولی که دارد بستنی بخرد از لذت دیگر مانند خرید کتاب مورد علاقه اش محروم می شود و مانند آن. بنابراین انسان در مواجهه با رویدادهای زندگی لازم است با تجهیز قوای تفکری خود نفع را از ضرر بازشناخته و برای انتخاب نفع از بین گزینه های موجود بهترین را برگزیند. لذا یادگیری و علم افزایی در مورد آنچه حقیقت نفع است، ضروری می باشد و محتوای آموزش از طریق رسانه می تواند بر آن تمرکز داشته باشد.

آموزش اقتصاد با هدف تقویت توان تفکر اقتصادی باید به گونه ای صورت بگیرد که چهار مرحله تفصیل، ترجیح، گزینش و تحقق را در خود داشته باشد و در این فرایند، کودک با قواعد و احکام، شرایط و ضوابط، انتخاب ها و پیامدها، یادگیری مهارت ها و ارتباطات موثر آشنا شده و در آنها ورزیده شود. این مراحل به همراه مثالی از یک سناریوی فرضی برای یک انیمیشن در زیر آمده است:

• **تفصیل نفع:** آموزش در مرحله تفصیل باید به گونه ای باشد که کودک بتواند موقعیت های کسب سود یا نفع را با فعال سازی تفکر خود تفصیل دهد. موقعیت های

منفعت زا و مصادیق نفع را بشناسد: «مثلا دانش آموزان مدرسه ای تصمیم می گیرند در کنار درس خواندن فعالیت اقتصادی در محیط مدرسه داشته باشند که نه تنها در آن مبادله نفع مادی اتفاق افتد بلکه منافع غیرمادی دیگری مانند یادگیری، علم افزایی در دانشی خاص، افزایش محبت و ارتقای روابط دوستی بین بچه ها و کسب مهارت های متعدد هم رخ دهد. سپس در این مرحله بچه ها باید با مشورت گرفتن از خانواده ها یا مربیان و صحبت با خودشان موقعیت را بسط دهند. مثلا می خواهند باغچه مدرسه را گل کاری یا درخت کاری کنند. محصولی کاشت کنند و از آن برداشت کنند. با تحقیق و بررسی موقعیت را این گونه تفصیل می دهند: باید اول مشخص کنیم چه گیاهی بکاریم؟ آیا از این گیاهان می خواهیم استفاده فروش کنیم یا نمایشگاهی از آن ترتیب دهیم؟ چه گیاهی زودتر به بار می نشیند؟ طریقه کاشت آن گیاهان چگونه است؟ آبیاری چطور؟ آیا می توان گلخانه ای درست کرد؟ چطور می توان از ظرفیت و توان همه بچه ها استفاده کرد؟ تقسیم کار و مسئولیت ها به چه شکلی باشد که برخی روابط کدورت آمیز تبدیل به محبت شوند؟ آیا می توان این را یکی از اهداف این کار اقتصادی قرار داد؟ چه زمان های پرتی وجود دارد که می توان از آن برای رسیدگی به باغچه استفاده کرد؟ و مانند این بحث ها.» هر قدر در این مرحله بسط و توسعه هدف نفع و کار اقتصادی به خوبی باز شود، ادامه کار نیز با موفقیت بیشتری انجام خواهد پذیرفت. آموزش در این مرحله باید به سمت یاددهی روش های تفصیل و فعال کردن تفکر و انواع راه حل ها باشد. همین طور به کارگیری توان همیاری، مشارکت، استفاده از مشورت افراد دانا و مانند آن در این مرحله اهمیت زیادی دارد.

• **ترجیح نفع:** در مرحله بعد کودکان باید یاد بگیرند که چطور باید برخی امور را بر برخی دیگر ترجیح دهند و ملاک های خوب و خوب تر و معیارهای معنوی و غیرمعنوی را بشناسند و همین طور تنها سود مادی را ترجیح ندهند. بالاخره از بین کارهای متعددی که در مورد آن فکر کرده اند باید بتوانند آن هایی را انتخاب کنند که اولویت بیشتری دارند و شدنی تر و در توان آن ها است. در هر حالت سود مادی برای بچه ها حاصل خواهد شد اما اینکه آنها بتوانند نفع معنوی را در این مرحله بر نفع مادی ترجیح دهند و آن را هم نفع بدانند و انتخاب کنند، اهمیت زیادی دارد. آیا بچه ها می توانند برقراری روابط صمیمی بین برخی از دوستانی که با یکدیگر قهر بوده اند را نفع بدانند؟ آیا آنها می توانند مشارکت همه بچه ها در یک کار جمعی



اقتصادی و کسب مهارت کاشت گل و گیاه را یک نفع بدانند؟ ممکن است اگر یک نفر همه کار را به عهده بگیرد نتایج بهتر شود و سود مادی بیشتری نصیب جمع گردد اما منافع معنوی فراوان زمانی حاصل می شود که کار گروهی انجام بگیرد. به این ترتیب ملاک های معنوی نیز به عنوان نفع، معرفی و توسط بچه ها انتخاب شوند.

• **گزینش نفع:** در مرحله سوم که مرحله گزینش است بچه ها باید برنامه مشخص و عملیاتی برای کسب نفع اقتصادی بریزند و راه های متعدد غیروالوایت دار را کنار بزنند، مهم ترین ها و دارای نفع ترین ها را مشخص کنند و راه های دستیابی به آنها را مورد شناسایی و برنامه ریزی قرار دهند. مثلا از کدام یک از معلمان، کمک فکری و از کدام یک کمک عملی می توان گرفت؟ چه گیاهی بهتر است کاشته شود و از کجا باید تهیه شود؟ خاک مرغوب را از چه طریقی می توان تهیه کرد؟ هریک از بچه ها در چه بازه زمانی باید چه مسئولیتی را انجام دهند و... یا از چه طریقی می توان تبلیغات خوبی برای بازدید از گلخانه ارائه داد؟ در این مرحله ممکن است طمع، حرص و آز اتفاق بیفتد. برخی از بچه ها ممکن است خودخواهانه به دنبال سود بیشتر باشند یا بقیه را لحاظ نکنند و مانند آن. که باید این موارد به عنوان رفتارهای نامطلوبی که مانع از رسیدن به نفع های سطح بالاتر می شوند- مانند کسب مهارت، تعاون، مهربانی، زیباسازی مدرسه، همیاری و همکاری، شاد نمودن دوستان و مانند آن- معرفی شوند.

• **تحقق نفع:** در مرحله آخر بچه ها باید بتوانند با پذیرش خلق و خوهای یکدیگر، تفاوت های فردی، پذیرش برخی سختی ها، ناملایمات و اتفاقات ناکام کننده ای که رخ می دهد، آن خبر را به نتیجه رسانده و منافعش را احصاء کنند. به بیان دیگر نفع را به تحقق برسانند و تصمیم خود را عملی کنند. در ارزیابی این کار اقتصادی، بچه ها باید نه فقط به سودی که مثلا از بازدید والدین و دیگران از گلخانه یا محصولات آنها به دست آمده توجه کنند، بلکه بایستی به منافع مثل مهارت هایی که یاد گرفته اند، اطلاعاتی که مبادله شده است، ثمراتی که عائد کل مدرسه شده است و مانند آن توجه کنند و کار خود را ارزیابی نمایند. بد اخلاقی ها، طمع ها، کلک زدن ها، خودرایی ها و منفعت طلبی های فردی به عنوان مظاهر نفع غیر حقیقی و کاذب معرفی می شوند.

این مثال ساده برای نزدیک شدن ذهن به مفاهیم بود که پیش از آن تبیین شد و می تواند با خلاقیت ذهن نویسنده بسیار خوب پرورش یافته و پخته تر شود تا تبدیل به انواعی از سناریوهای مختلف گردد.

۳. توجه به معیار حق در آموزش های اقتصادی

نفع حقیقی در گروی توجه به حکم خدا و معیارهای حق در هر شرایطی است. برای به دست آوردن معیار حق لازم است حکم الهی را برای هر امری از امور زندگی به دست آورد.

• برخی از این امور از جمله امور شرعی مانند نماز و روزه و... است که دارای احکام مشخص می باشد.  
• برخی از این امور از جمله امور اخلاقی مانند رعایت حقوق در ارتباطات و... است که دارای ضوابط مشخص می باشد.  
• برخی از این امور مربوط به امور معنوی مانند ارتباط با خدا و... است که ضابطه آن را کتاب و وحی تعیین می کند.

• برخی از امور مربوط به گسترش علم و دانایی می باشد که قوانین آن توسط عقل و خرد فرد تعیین شده و هر قدر تعقل فرد تقویت شود در انتخاب علم نافع و حکمت دارای انتخاب بهتری خواهد بود.  
• برخی از این امور از جمله امور عادی زندگی مانند خواب و خوراک و... است که بستگی به شرایط و تکامل فردی و اجتماعی دارد و ضوابط آن بر اساس تفکر تعیین می شود. لذا هر قدر فرد قدرت تفکر بیشتری داشته باشد می تواند شرایط تحول و تکامل خود را بیشتر سنجیده و بر اساس آن نفع و ضرر خود را تعیین کند (اخوت، ۱۳۹۴، ص ۳۱).

به طور طبیعی زندگی انسان با حوادث و وقایع متعددی همراه است که برخی با برخی قابل جمع و برخی غیر قابل جمع می باشند. گاهی فرد لازم است در یک زمان در دو مکان حضور داشته باشد و یا در یک زمان دو کاری که قابل جمع نیستند را انجام دهد. در این صورت نفع و ضررها با هم تزاخم می یابند. در این صورت لازم است کاری که نفع بیشتری دارد انتخاب شود و از آن کاری که ضرر بیشتری دارد احتراز شود. برای علم پیدا کردن به امر نافع تر، رجوع به علم و احکام الهی ضروری است. در این صورت، ضرورت به دست آوردن علم پیش از ابتلاء به حوادث بدیهی است. زیرا در بسیاری از موارد امکان علم آموزی در موقع حوادث وجود ندارد. به همین دلیل هر قدر علم فرد در امور مختلف زندگی بیشتر باشد امکان گزیدن امری با نفع بیشتر برای او مهیاتر است. رسانه می تواند عاملی برای انتقال این علم به کودکان باشد.

همچنین برای رهایی از تزاخم نفع و ضررها لازم است بر مسائل زیر دقت لازم مبذول شود:

۱. **پذیرش اصل موضوع تزاخم نفع و ضررها:** زیرا با این پذیرش حرص و طمع فرد کنترل شده و برای به دست آوردن همه نفع ها از آنچه دارای نفع بیشتر است، محروم نمی گردد.

۲. **بالا بردن مهارت های زندگی:** بدیهی است هر قدر فرد در زندگی دارای انواع مهارت باشد در تشخیص

انواع نفع و انتخاب بهترین نفع قدرت بیشتری خواهد یافت. بالاترین مهارت در زندگی داشتن مهارت تفکر و تعقل است. به دست آوردن این مهارت فرد را به شناخت نفع راهنمایی می کند.

۳. **تشخیص انواع نفع و ضرر:** گاهی انسان به اندازه کافی دارای بصیرت نمی باشد لذا نمی تواند انواع نفع و ضرر را برای خود تشخیص دهد. لذا با افزایش بصیرت فرد امکان تشخیص نفع و ضرر بیشتری را خواهد داشت.

۴. **ارتباط با عرف علماء و عقلاء:** یکی از راه های تشخیص نفع و ضرر ارتباط با عرف تخصصی عقلاء و علماء و بهره گیری از دانش و تحلیل آنهاست. با این ارتباط بسیاری از امور زندگی نسبت به امور دیگر متمایز و ممتاز می گردد.

۵. **شناخت نفع و ضررهای کلی زندگی:** برخی از اموری که در دین به آنها توصیه شده است به طور مطلق دارای نفع اند و در هر حال لازم است در اولویت قرار گیرند. شناخت این امور موجب رهایی از تزاخم نفع ها می شود زیرا نوعا این نفع ها متمایز کننده امور در زندگی هستند. نمونه این نفع ها، نفعی است که به واسطه حسن خلق نصیب فرد می شود و یا نفعی است که به واسطه راستی و درستی توصیه شده است.

۶. **تشخیص بهترین نفع و گزیدن آن:** به طور طبیعی هرگاه انسان بتواند انواع نفع را تشخیص دهد، می تواند بین آنها بهترین نفع را نیز تشخیص دهد. هرگاه فرد بابصیرت نتواند بین نفع ها هیچ یک را ترجیح دهد و با مشورت و رجوع به عقلا نیز هیچ کدام قابل ترجیح نباشد، هر کدام را اختیار کند مجبور است.

#### جمع بندی

اقتصاد به معنای مبادله نفع است. نفع در هر فرهنگ و آئینی می تواند معانی متفاوتی داشته باشد. چیهستی نفع و ماهیت آن، تعیین کننده خطی مشی اقتصادی یک جامعه خواهد بود. نفع در معنای وحیانی خود با جهت گیری توحیدی و اخروی همراه است و بر همین اساس حکم خداوند بالاترین نفع است. حکمی که منطبق بر نیازهای حقیقی انسان بوده و باید در هر موقعیت بر دیگر احکام اولویت داده شود. به این ترتیب اصالت نفع مورد پذیرش است اما اصالت نفع مادی یا سود مادی قابل پذیرش نیست. هرچند که باید در اقتصاد به فکر تولید ثروت، توسعه و کسب سود بود اما این اهداف نباید خارج از حکم الهی قرار گرفته و مثلا منجر به ایجاد ظلم، بدخواهی، گسترش آز و حرص، زیر پا گذاشتن حقوق ضعفاء و مانند آن گردد و در عین حال نباید به عنوان هدف اصلی تلقی شود چرا که نفع مادی در ذیل نفع معنوی است و منافع بالادست همواره بر منافع پایین دست سیطره

کردن، همکاری، تعلیم به دیگران، بخشودن، دیگر خواهی، علم افزایی و مانند آن را می توان در تعریف سطوح مختلف نفع و لزوم ترجیح آنها بر سود مادی صرف استفاده کرد. در عین حال می توان مولفه های منفی مانند تکبر، حرص، حسد، گردن کشی را به عنوان عوامل مخل در رسیدن به نفع حقیقی معرفی کرد که بروز آنها نشان دهنده ترجیح داده شدن نفع مادی بر انواع دیگر نفع است.

۱. تحف العقول، النص، ص ۳۶۷

#### \* منابع

اخوت، احمد رضا. (۱۳۹۴). فرایندشناسی خیر. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).  
حرانی، ابو محمد. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول (ع). قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.

ثروت را در جهت مصالح عمومی و در راستای منافع بالادستی می توان مطرح نمود. برای مثال حضرت سلیمان (ع) از تمام خدم و حشم و قدرتی که در ملک و حکومت داشت برای نفع معنوی و گسترش دین خدا استفاده کرد.  
در آموزش کار اقتصادی به کودکان در عین اینکه باید انواع نفع، مراتب آن و نفع بهتر و بالاتر آموزش داده شود، باید سعی در فعال نمودن تفکر تفصیلی آنها نمود تا بر اساس آن بتوانند از خلاقیت و توان فکر خود برای طرح های اقتصادی ثروت را استفاده کنند. ثروت اصالت ندارد اما اگر مسیر کار به درستی، درایت و دقت ترسیم شود و همراه با معیارهای خداخواهانه باشد، قطعاً سود حاصل خواهد شد. مفاهیمی مانند صداقت، خیرخواهی، مهربانی، کمک به ضعفاء، انفاق

دارند مثلاً در شرایطی باید برای نجات جان انسان ها متحمل ضرر اقتصادی نیز شد و این یعنی اصالت دادن به منافع حقیقی تر. واردات کالایی منجر به ثروت زیاد شخص می شود اما در نظر گرفتن منافع جمعی و مصالح جامعه و توجه به استقلال کشور منفعت بالاتری است که بر منفعت مادی ارجحیت دارد. خرید کالای ایرانی ممکن است به ضرر یک خانواده تمام شود اما در نهایت منجر به سود واقعی که همان افزایش اشتغال، توسعه کشور و بی نیاز شدن از کشورهای دیگر است، خواهد شد. نفع مادی باید برای رسیدن به منافع بالادست تر به دست آید و گرنه منجر به مرگ منافع حقیقی مانند صداقت، خیرخواهی، کمک به ضعفاء و توسعه کشور خواهد شد. در سیره امامان و انبیاء مثال های متعددی از تولید

## یادداشت ادبی

### فاطمیت در علو

به مناسبت ولادت امیرالمؤمنین (ع) و برگرفته از سوره مبارکه قارعه و چکیده کتاب یقین و شک

و از این روست که در وصف فاطمه (ع) گفته شده «و ما ادراک ما لیلۃ القدر» و در وصف تو باید گفت «و ما ادراک ما القارعه»...

به فاطمه بودن توست که در پیشگاهت و در معرکه کلام و عملت، پیچیده ترین پیوندهای ناس «کالفرش المبتوث» هستند و منسجم ترین دژها، پشم حلاجی شده اند...  
به فاطمه بودن تو بوده است که بدر، حنین، خیر، جمل، صفین و نهروان جلوه فتح نمایان شد و به فاطمه بودن توست که حب و بغض نسبت به تو معیار ایمان و نفاق است و به پشتوانه فاطمه بودن توست که عیسه راضیه، کیفیت حیات کسی محسوب می شود که تو را امیر باورها و اعمال خود قرار داده باشد و جهنم با همه سبکی و خفت و پستی، مادر کسی است که باورها و اعمالش از فاطمه بودن تو وزن نگرفته باشد.  
چه ماهیت سوزانی دارد، زندگی بی بهره از تو و خروج از امیری فاطمی تو، که خداوند در وصفش گفته است: «و ما ادراک ماهیه نار حامیه»...

تا بوده همیشه با فاطمه ای همراه بوده ای... یک روز فاطمه دختر اسد تو را در بطن داشت تا ثابت شود باطن فاطمه، علی است و روزی که پیش دختر رسول (ص) بودی تا معلوم شود در پس علی (ع)، فاطمه (ع) است و تا ابد فاطمیت با توست، که فاطمه (ع) حجت خدا بر حجج الهی (ع) است و علی (ع)، امیرالمؤمنین است.  
حجت های الهی (ع) حجت دارند و مؤمنان حقیقی امیر دارند... فاطمه وجه الهی باور و عمل برای اهل بیت (ع) است و علی (ع)، امیر باورها و عمل های اهل بیت (ع) است... که همگی وجه الهی دارند.  
فاطمه (ع) حجت علی (ع) است و علی (ع)، امیر فاطمه (ع) است.  
فاطمه (ع) مدح علی (ع) است و علی (ع)، مدح فاطمه (ع) است.  
ای علی! تو فاطمه ترین علی هستی و در وصف تو فاطمه ترین واژگان، باید که جاری شوند و فاطمه ترین حقایق را باید برشمرد...

کاظم رجبعلی

## به مناسبت ولادت ابوتراب علی بن ابی طالب (ع)

## سرور و سرود

محراب و ملائک همه روزه به تو مشغول  
علم و عمل اندر کف تو تیر و کمانه  
کس قدر تو شناخت، سؤال از تو نپرسید  
هر چند خبرهای سماوات بدانے  
حیف از تو نباشد که گدایان خطاکار  
از یاد بردند تو اکسیر جهانے؟

لاهو ت بُدی و ره ناسوت گرفته  
زین سو ترک کعبه شود فخر مکانے  
چون خاک نشین، خانه نشین گشت، عجب نیست  
هر بے سر و پای برد نام و نشانے



دستان من از جود تو پر بود زمانے  
بیچاره گدا بے که مقامش بستانے  
یک عمر به دنبال خلائق، من حیران  
ویرانه به ویرانه بگشتم پی نانے  
من بے خبر از خویش به بیگانه سپردم  
دل در گرو بے، دیده به هر خرد و کلانے

شهر بانو کندی

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت

زیر نظر | هیأت سردبیرے

مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمداری

هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت

@QuranEtratSchool

